

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیری

۲۵ جنوری ۲۰۱۶

او همیشه زنده خواهد بود

۲۱ جنوری، روز یادبود ولادیمیر ایلیچ لنین

سالگرد دیگری یکی از حوادث غم انگیز زمستان - درگذشت ولادیمیر ایلیچ لنین فرارسید.

روشن است که در باره این انسان، انقلابی، رهبر، نابغه آنقدر گفته شده، نوشته شده که هیچ حرف تازه ای برای گفتن باقی نمانده است. واقعاً هیچ! سیمای او به قدری با شکوه و عظمت است، که هر لحظه، هر آن از عمر کوتاه او، هم امروز، هم فردا و هم پس فردا، همیشه قابل تأمل، مطالعه، تحلیل و بررسی و تشریح می باشد. به ویژه، برای کسانی که با درک شخصی، نسبت به سرنوشت انقلاب سوسیالیستی و تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به رهبری لنین بی تفاوت نیستند.

این گونه به نظر می آید که در سالروز درگذشت زود هنگام پایه گذار بزرگترین دولت عدالت اجتماعی در جهان، هر چند سابق، باید اندوهگین بود. خود سیمای فرزانه روس با لبخند بشاش، شیوه زندگی او، سمتگیری کار و فعالیت او فقط به سوی آینده، ترقی و توسعه به خاطر سعادت بشری حق می دهد. خاطره او را نه با غم و اندوه، که با پاسخ مثبت به ندای او گرامی بداریم.

ولادیمیر ایلیچ به نظر من، همان دانگوی دوم (اگر نه اول) در داستان مشهور گورکی است که به منظور پرتو افکنی بر راه عبور از تاریکی به روشنایی قلبش را از قفسه سینه خود بیرون کشید. رهبر آینده چنین بود: او خوب می دانست که قدم نهادن در راه انقلاب، در راه دفاع از محرومان و ساختن جامعه عادلانه چه سختی ها برایش در پی دارد. به ویژه سرنوشت، در همان آغاز راه، درس سختی به او داد: دادگاه تزار برادر بزرگ او، الکساندر را نه به دلیل سوء قصد واقعی به الساندر سوم، بلکه، فقط به بهانه تلاش برای انجام آن به اعدام محکوم نمود و به دار آویخت.

با این حال، ولادیمیر اولیانوف از تجربه غم انگیز برادر خود نتیجه مهم ستراتیژیک گرفت: نه، نباید به این راه رفت، بلکه، باید در راه دیگری گام نهاد. تشکیل حزب متحد همفکران انقلابی، کار روشنگرانه گسترده در میان توده های وسیع زحمتکشان، اتکاء به پیشروترین طبقه پرولتاریا در اتحاد با دهقانان، پشتیبانی اصولی از شکل نوین شرکت زحمتکشان در اداره امور کشور از طریق شوراهای کارگران، دهقانان و نمایندگان سربازان در بنیان روش کار او قرار گرفت.

ولادیمیر ایلچ در نتیجه کارهای فوق العاده خود همیشه برای دیگران الگوی بی نظیر صداقت، پایداری و شهامت بود. رفقای حزبی برخی اوقات با او مخالفت می کردند. با دیدگاههای او نه تنها گزافه گوین بورژوازی، حتی «همتایان» احزاب خویشانند: اس ارها (سوسیالیستهای انقلابی -م.)، حزب کارگران و منشویکها به شدت مخالفت نشان می دادند. پولیس مخفی و عوامل اطلاعاتی تزار قریب بیست سال کینه توزانه در پی شکار او بودند، در اثر تعقیب و پیگرد، او را زندانی کردند، به تبعید سیبری فرستادند، از کشور اخراج نمودند. کرنسکی «سوسیالیست» فرمان داد او را به هر وسیله ای پیدا کنند، حتی تا حذف فزیک.

درنهایت، در ماه اگست سال ۱۹۱۸، در اثر تیراندازی خبیثانه فنانی کاپلان اس ار با گلوله سمی از مخفیگاه، آسیب جدی به سلامتی ولادیمیر ایلچ وارد گردید.

با این حال، همه ناراحتی های جسمانی، تهمتها، افتراهای بی حد و حصر هیچ گاه نتوانستند روح و ایدئولوژی مقاوم این بزرگترین کمونیست جهان را، قابلیت کاری فوق العاده او را که عملاً به تحقق ایده او کمک کردند، خدشه دار سازند.
*لنین زیست، لنین می زید، لنین خواهد زیست!

<http://www.sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=601947>

۴ بهمن -دلو ۱۳۹۴